



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۲/۰۸

عبدالقیوم میرزاده

تشدیدبازی های پشت پرده در قبال افغانستان

از تحلیل رویداد های چند ماه اخیر چنین استنباط میگردد که بازی های پشت پرده در قبال افغانستان شدت و حدت بسیار اختیار کرده است. تدویر شتاب زده مجلس اسلو (۲۳ - ۲۵ جنوری ۲۰۲۲) با ارسال طیاره مخصوص برای هیئت طالبان و مذاکرات پشت درهای بسته نشاندهنده آنست که امریکایان بعد از مانور ماه اگست ۲۰۲۱ که ابتکار عمل مسایل افغانستان از اختیار شان خارج گردید در صدد آن اند تا با استفاده از وسایل و ذرایع فشار که در اختیار دارند غرض در مضیقه قرار دادن طالبان استفاده کرده و لجام را دوباره در دست گیرند.

از قراین پیداست که امریکایان در پهلوی امتیاز گیری در عرصه کنترول میدان های هوایی افغانستان منجمله میدان هوایی کابل بوسیله قطری ها که بایدن رئیس جمهور امریکا بتاريخ ۳۱ جنوری سال روان جای پاکستان را به قطر داده و این کشور را متحد اصلی غیر ناتو برای تأمین منافع امریکا در جنوب آسیا معرفی کرد، همچنان با یک احتمال در همکاری با ترک ها در ترانسپورت داعشیان به افغانستان، مصمم اند از امکانات ناروی که شورای پناهندگان ناروی در حقیقت کمیته مشترک اطلاعاتی سازمانهای استخباراتی غربی میباشد و تقریباً در چهل سال اخیر بوسیله شبکه های عریض و طویل اطلاعاتی خویش در امور افغانستان هم در خاک پاکستان و هم در داخل افغانستان حضور فعال داشته و عناصر مؤثر را در همه این مدت در رده های مورد نظر زیر نامهای مختلف باخود داشته اند، استفاده کرده و بوسیله همین افراد طالبان را به میز مذاکره با امریکایان به اسلو کشانند. تا بعد از اخذ تعهدات از طالبان اطمینان حاصل کنند که طبق مواد ضمایم محرم توافقنامه دوحه تیم های استخباراتی امریکا آزادانه اجازه اجرای امور خویش را در افغانستان دوباره حاصل کرده و امریکا همچنان کنترول مسایل پولی افغانستان را در اختیار میداشته باشد. چنانچه خانم هوتیفیلد وزیر خارجه ناروی در ختم این مجلس گفت: «نشست اینجا در اسلو فرصت خوبی را برای کشور های غربی فراهم ساخت تا آنچه را از طالبان می خواهند واضح گردانند. هرگاه ما می خواهیم به مردم کمک کنیم و جلو بدتر شدن بحران بشری را بگیریم، ما باید با مقامات بالفعل در کشور گفت و گو کنیم، ارزش ها و سیاست های طالبان نسبت به ارزش ها و سیاست های ما بسیار فرق دارند. اما ما باید با جهان چنان که هست کار بکنیم. ما معتقدیم که چنین نوع صحبت کردن با طالبان مهم است. اجازه بدهید تأکید کنم فراهم ساختن چنین تسهیلاتی برای گفت و گوها به هیچ صورت نمایندگی از مشروعیت دادن به مقامات بالفعل افغانستان نیست... ما می دانیم که طالبان فعالانه از منافع خود شان دفاع می کنند... و در پی کسب مشروعیت اند... ما خواست های روشنی را مطرح کردیم و اکنون ما باید انتظار بکشیم و ببینیم که آیا آن ها بدانچه گفته اند، وفادار هستند.»

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بعد از رویکار آمدن طالبان کشور های منطقه طی فعالیت های مستمر دیپلماتیک، مجالس تروییکا و تروییکا پلس، اجلاس شانگهای و مجالس منظوقی منعقدہ دہلی، تہران و اسلام آباد تلاش بخرچ دادند تا در قبال افغانستان دیدگاه مشترک پیدا کرده و با یک رویکرد مشترک با طالبان عمل کنند کہ متأسفانه بنابر اختلافات موجود ہند با پاکستان، ہند با چین، موضعگیری خصمانہ تاجکستان در قبال افغانستان این اجماع منظوقی تا کنون حاصل نگردید و بدین ترتیب طالبان نتوانستند حمایت کشور های منطقه را حاصل کنند.

ہمچنان با بروز چند مورد اختلاف بین طالبان با پیشواو پدیشان پاکستان در مسئلہ اکمال پروژہ سیم خاردار در نوار مرزی کہ گفته میشود چندین کیلومتر بدخل خاک افغانستان این حصار کشی صورت گرفته و منجر بہ زد و خورد های سرحدی میان طالبان و قوت های سرحدی پاکستان شد، ہمچنان نپذیرفتن پیشنہاد پاکستان مبنی بر اعزام کادر های مسلکی و متخصص برای پیشبرد امور ادارہ، صنعت و اقتصاد افغانستان از جانب طالبان، سازماندهی حملات مسلحانہ از جانب سازمانہای آزادیخواہ بلوچ بر علیہ نیرو های مسلح پاکستانی در ایالت بلوچستان پاکستان و اخیراً وقوع یک سلسلہ انفجارات و عملیات های تروریستی مسلحانہ در شہر های پاکستان منجملہ پشاور و کراچی، اعتراضات خشونت بار احزاب اسلامی پاکستان منجملہ تحریک لیبک و جمعیت العلمای اسلام کہ وزارت داخلہ پاکستان در بسیاری از حوادث ذکر شدہ دست طالبان پاکستانی را دخیل شمرده و احتمال دست داشتن گروپ های طالب افغانی را نیز منتفی نمیدانند، مبصرین سیاسی سفر معید یوسف مشاور امنیت ملی صدراعظم پاکستان بہ کابل ۲۹ جنوری ۲۰۲۲ را در راستای جستجوی راه های حل معضلات ایجاد شدہ در روابط طالبان و پاکستان مبینند.

قابل ذکر پنداشته میشود کہ در عقب بیشترینہ این اختلافات دست هایی از بیرون دیدہ میشود. چنانچہ در یک مباحثہ بنیاد صلح ایالات متحدہ امریکا در قبال مسایل افغانستان ریچارد اولسن مشاور امور آسیایی در انستیتوت صلح ایالات متحدہ و نمایندہ پیشین امریکا در امور افغانستان و پاکستان بہ صراحت بیان داشت: «با وجود اتکای تاریخی طالبان بہ کمک پاکستان، ایجاد یک شگاف بین طالبان و اسلام آباد روی مسئلہ خط دیورند اجتناب ناپذیر است، زیرا در این مورد مواضع طالبان در انطباق با مواضع ہمہ حکومت های پیشین افغانستان می باشد کہ از سال ۱۹۴۷ بہ این سو، تاکید روی رفت و آمد آزاد افغانہا در دوطرف سرحد دوران استعماری میکردند و خط دیورند را بہ حیث یک سرحد بین المللی بہ رسمیت نمی شناختند. این مسئلہ علاوہ بر بہ رسمیت شناختن، شاید بہ دلیل این واقعیت پیچیدہ تر گردد کہ علامت گذاری خط دیورند توسط پاکستانی ها، با شناخت افغان ها از آن متفاوت است و بخشی از دیوار سیم خار دار شاید در داخل آن قسمت از خاک افغانستان قرار داشته باشد کہ بخش بیشتر جامعہ بین المللی بہ شمول ایالات متحدہ امریکا آن را قلمرو افغانستان می شمارند.»

توجہ بفرمائید حصار سیم خاردار ی را کہ در زمان تسلط قوای امریکا در افغانستان با فشار امریکاییان بوسیلہ پاکستان بر افغانستان تحمیل گردید امروز بزرگترین مرجع دیپلماتیک و سیاسی آنکشور آنرا تردید کرده و طالبان را علیہ پاکستان تحریک میکند تا آنکشور بہ فکر یک الترناتیف دیگر داعش و یا ہرنام دیگر بر علیہ حاکمیت طالبان اقدام کرده و امریکاییان وجوہ مالی آنرا پرداختہ و بہ این ترتیب ہمان سناریو های قبلی تکرار گردد.

بہ احتمال زیاد ہندوستان ہم از ہمہ امکانات و ریزرف های خویش استفادہ بعمل خواهد آورد تا بہ این آتش ہیزم ریختہ و مناسبات طالبان را مخصوصاً در قبال مسایل خط دیورند و حصار کشی کہ برای مردم افغانستان پیوستہ اهمیت ملی داشته است با پاکستان خراب و خرابتر سازد. چینیایی ها از سال ۲۰۱۰ زمانیکہ آیساف در افغانستان ختم وظیفہ اش را اعلام کرد نگران امنیت سرحدات شان با افغانستان گردیدند و این نگرانی با سرازیر شدن گروہ داعش خراسان در ساحات بدخشان افغانستان کہ بزودترین فرصت تقریباً تمام اعضای گروہ های اسلامگرای ایغور عضویت این شبکہ داعش را حصول کردند و ہم اکنون زیر بیرق داعش در نوار سرحدات چین فعالیت دارند

بیشتر از پیش گردید. از همانزمان چینیایی ها در صدد آن شدند تا به همکاری پاکستان تماس هایی را در سطوح مختلف با طالبان راه اندازی کنند تا اینکه وزارت خارجه چین یکماه قبل از تسلط کامل طالبان در افغانستان در شهر تیانجین چین میزبان هیئتی از این گروه بود و مبصرین محتمل میدانستند که بعد از خروج امریکا از افغانستان چین جاگزین خواهد شد. اما دیده میشود که در پشت پرده در قبال افغانستان بازی هایی در جریان است که هیچ سیاه و سفیدی در زمینه نمی توان ارائه کرد. احتمالاً اکنون چینیایی ها از یکطرف منتظر اقدامات امریکا در بحر هند، بحر الکاهل، مسئله تايوان، موضعگیری در قبال ایغور ها اند و باوصف آنکه هم اکمال پروژه جیوپولیتیک شاهراه ابریشم (زمینی و بحری) که قسمت اعظم آن از مسیر افغانستان مطرح گردیده است برایشان از اهمیت استراتژییک برخوردار است و هم به محصولات معدنی چون لیتیم، مس، یورانیوم و... افغانستان اشد نیاز دارند اما برخورد محتاطانه شان با سرمایه گذاری در این پروژه ها میرساند که چینیایی ها به گمان اغلب فعل و انفعالات و نفر بری های طالبان را در شمال افغانستان خاصاً ولایت تخارکه گروه کثیری از اعضای انصارالله نیروی مخالف دولت تاجکستان در آن مستقراند و اکنون این گروه بیری طالبان را در قرار گاه هایشان بلند کرده اند زیر نظر دارند. زیرا این پروژه نیز زیر نظر سی ای ای CIA بمنظور ایجاد آشوب در تاجکستان خاصاً در کناره های سرحدات چین ایجاد و پیشبرده میشود. زیرا تاجکستان بیشترین سرحدات زمینی را با چین داشته و قسمتی از شاهراه های استراتژییک چین از مسیر تاجکستان نیز عبور میکند. همچنان این تعلل چین در تأمین مناسبات با طالبان احتمالاً بنا بر توجه شان به منافع بزرگتری در روابط با امریکا و متحدین غربی آن نیز مطمع نظر باشد و یا آخر الامر از نظر چینیایی ها طالبان تا کنون آن ظرفیت و پوتانسیل اداره و رهبری کشور را بسوی ثبات ندارند که اعتماد سرمایه گذاری ها و سرمایه گزارها را جلب کند.

روسیه بعد از خروج امریکا از افغانستان در همکاری با کشور های متحد آسیایی اش ممکن ابزار بالقوه را در اختیار داشته باشند تا ثبات رادر آسیای مرکزی تأمین کنند، اما روسیه و متحدینش آن ظرفیت اقتصادی را ندارند که جای کمپنی های غربی را در افغانستان پر کنند و اتکای اقتصادی برای رژیم طالبان باشند.

از همجاست که امریکا و متحدینش باشتاب فراوان تلاش دارند تا طالبان را به ذریع و وسایل که در دست دارند منجمه در دست گرفتن مدیریت اقتصادی شان آنها را مرعوب ساخته و پروژه های نا تمام استراتژییک شانرا به پیش ببرند و به جهانیان باچهره های معصوم و بشر دوستانه چنان وانمود کنند که آنها تلاش دارند تا به گرسنگان افغانستان نان برسانند و آزادی هایی را برای اقشار مختلف جامعه منجمه زنان به ارمغان بیآورند! که صحبت مؤرخ ۷ فبروری دیوید ریچاردز سابق لوی درستیز قوت های مسلح انگلیس در برنامه پانوراما تلویزیون بی بی سی به صراحت بیان داشت که: «زمان آن رسیده که دولت طالبان به رسمیت شناخته شود و دولت های غربی باید فروتنانه بپذیرند که در افغانستان ناکام شدند.» نیز در همین راستا دیده میشود.

بار ها طی نوشته هایی متعددی با تأکید نوشته ام که ابعاد خارجی معضله افغانستان رقابت ها و کشمکش هایی قدرت های بزرگ چون امریکا، روسیه و چین بر سر تعیین چگونگی نظم جهانی است که بسیاری از ملت های جهان را طی این رقابت هازیرآتش جنگ های شان نابود کرده و میکنند و ملت ما را نیز در این بیش از چهل سال به خاک و خون کشانیده اند. تمام کشور های خارجی در صدد منافع خود اند آنها حتی برای یک ثانیه هم برای منافع ملی ما نمی اندیشند و نه در آن راستا ما را همکاری میکنند. این ما استیم که برای بدست آوردن منافع ملی خود آگاه و هوشیار باشیم و درک و توانایی لازم برای مدیریت اوضاع غرض تحقق این مامول را داشته باشیم که ابعاد داخلی معضل افغانستان تنها و تنها به آگاهی و بیداری مردم خود ما تعلق دارد. حاکمیت قبلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان طی شش سال اخیر در جلسات متعدد منطقوی و بین المللی و شورای امنیت ملل متحد کشورهای منطقه و بسیاری از کشور های جهان را به این باور رساند که منازعه افغانستان راه حل نظامی ندارد بلکه یک افغانستان بیطرف با ثبات دارای حاکمیت ملی با پایه های محکم

دیموکراتیک و انکشاف اقتصادی متضمن ثبات منطقه و جهان و در عین زمان شاهراه جهانی تجارت انرژی و مواد خام بوده میتواند. اما متأسفانه امریکا که در تمام جناح های جنگ حضور فعال داشت و تمام طرف های درگیر در جنگ زیر مشاوریت، دستور و تأمینات لوژستیکی آنها قرار داشتند پیوسته بر طبل جنگ کوبیدند و هزاران انسان وطن ما را بقتل رساندند، بوسیلهٔ عمال درون نظام نظم و ثبات را برهم زده و مردم را فرسنگ ها از حاکمیت بدور ساختند.

حالا یکبار دیگر طالبان با هر پیشینهٔ تروریستی که دارند توانسته اند در سراسر محدودهٔ جغرافیایی افغانستان نظم را برقرار کنند و تا کنون هیچ گروه مخرب توانایی سر بلند کردن در برابر شان را نداشته است زیرا اکثریت مردم مسلمان افغانستان باورمند به سنت ها و فرایض پیرو مسجد بوده و مسجد را طالب تحت ادارهٔ خویش دارد و از همان آدرس مردم کشور در حمایت طالبان قرار دارند، از طرف دیگر همگام باجهانیان که نظاره گر امور افغانستان اند، مردم کشور ما که در این همه سال آتش جنگ در خانه هایشان شعله ور بوده و میلیون هافرزدان، شوهران، پدران و مادران شان را قربانی داده اند و هیچ خانوادهٔ این سرزمین نیست که به نحوی از تأثیر جنگ بدور مانده باشد نیز به این باور رسیده اند که معضل افغانستان راه حل نظامی ندارد و جنگ به هر بهانه که باشد راه حل نیست. پس چرا هنوز هم بر طبل جنگ کوبید؟! و بنام مقاومت، رستاخیز، قیام و شعار های میان تهی که بیشتر از جانب (تیوریسن ها، مبصرین، سیاست بازان) که در بستر های مخملین در غرب لمیده اند سر داده و مردم را به جنگ تحریک کرد؟! بیشترین خطری که امروز ملت ما را تهدید میکند همانا باخت ملت در میدان سیاست میباشد که غربی ها خاصاً امریکا که به فنون و نیرنگ های دیپلوماتیک توانایی و امکانات فراوانی در اختیار دارند ممکن است این نظم ایجاد شده را نیز تخریب کرده و کشور ما را به یک جنگ بی پایان دیگر رهنمون گردند. پس لازم است مردم ما تا توان دارند سعی بعمل آرند که دیگر فریب این نیرنگ ها را زیر نام مقاومت، رستاخیز و قیام که منجر به تخریب نظم موجود شده و عواقب آن جنگ داخلی را در کشور ماشعله ور خواهد ساخت. همه مردم یک صدا به جنگ افروزان، مقاومت گران و دلچک های عوام فریب شان نه بگویند.

ما همه حق داریم مطالبات سیاسی، اقتصادی و حقوق مدنی خویش را با شیوه های مسالمت آمیز با درک مکلفیت های حقوقی خویش در جامعه که رکن دیگری از حقوق مدنی میباشد مطرح کنیم. ما کاملاً حق داریم مطالبات مدنی خویش را مطرح کنیم اما لازمی است تا منافع علیای ملی برایمان ارجحیت داشته باشد. یکی از شاخص های اصلی منافع علیای همگانی همانا تأمین نظم در کشور است که متأسفانه در گیر و دار این همه سال های جنگ، مداخلهٔ خارجی، وابستگی ها و غلام منشی های عدهٔ از (متنفذین) و رهبر گونه ها مردم افغانستان تقریباً مکلفیت های حقوقی خویش را در برابر قانون و در نظر داشت منافع علیای ملی فراموش کرده اند و همه یکسره حقوق مطالبه دارند هیچکسی در پی مکلفیت حقوقی - اجتماعی خویش منحیث شهروند یا اتباع کشور نیست. همین موضوع باعث شده که همه یکسره مطالبه دارند. ملت های جهان روز های دشوارتری نسبت به وضعیت موجود افغانستان را سپری کرده اند و در همه حالات نظم کشور شان را برهم نزده و در آبادانی و ترقی کشور شان سهم گرفته اند. آنها بخوبی دریافته اند که تنها در حاکمیت قانون و تأمین نظم در کشور میتوانند به خواست ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش نایل آیند.

دانشمندان و متخصصین امور سیاست، دیپلوماسی، اقتصاد، اداره، مبصرین و تحلیل گران امور اجتماع و سیاست تا توان دارند نسخه های تخصصی برای بهبود امور ادارهٔ کشور ارائه کنند و به این ترتیب نقش شان را برای رفاه و آبادانی کشور ادا کنند. نباید فکر کنیم که زمان متوقف گردیده است و همه امور به همین منوال باقی میماند. زمان در حرکت است و ایستایی نمی پذیرد، همه امور در انکشاف و تغییراند. مردم ما ضرورت به بیداری و آگاهی دارند که دیگر فریب نیرنگ ها و نیرنگ بازان داخلی و خارجی را نخورند و همه انرژی و توان شان را در راه اتحاد، اتفاق، همپنداری، همکاری، همیاری و تساند معطوف گردانند.